

# استعاره‌های مفهومی رنگ در زبان کردی ایلامی

مریم تفرجی \*

کلثوم گراوند \*\*

## چکیده

تا قبل از پیدایش زبان‌شناسی شناختی، "استعاره" به عنوان مفهومی منحصر به زبان ادبی شناخته می‌شد. از این رو، تنها در مفاهیم ادبی مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ اما با پیدایش زبان‌شناسی شناختی، مشخص شد که کاربرد استعاره در زبان عامیانه نیز قابل توجه است. یکی از شاخه‌های شگفت‌انگیز زبان‌شناسی شناختی نظریه‌ی "استعاره‌ی مفهومی رنگ" است. بر اساس این نظریه، رنگ‌ها مفاهیم ذهن کاربران هر زبان را به زیبایی منتقل می‌کنند. حال، سؤال این است که آیا گویشوران زبان کردی ایلامی مفاهیم رنگ‌ها را به صورت چند معنایی به کار می‌برند یا خیر؟ آیا رنگ‌ها در استعاره‌های کردی ایلامی به صورت یکسان استفاده شده‌اند یا خیر؟ پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها (که به صورت توصیفی انجام گرفت) مشخص شد که:

۱. بیشتر مفاهیم رنگ‌ها در زبان کردی ایلامی به صورت چند معنایی استفاده می‌شوند؛

۲. رنگ‌ها در استعاره‌های کردی ایلامی به صورت یکسان استفاده نمی‌شوند. بر اساس نتایج این تحقیق، از میان تمامی رنگ‌ها "رنگ سیاه" بیشترین فراوانی دارد. شاید بتوان ریشه‌ی استفاده از استعاره‌های مفهومی رنگ را در مذهب و عقاید پیشینیان جست و جو کرد.

واژگان کلیدی: رنگ‌ها، استعاره مفهومی، کردی ایلامی

## مقدمه (بیان مسأله و اهمیت موضوع)

زبان‌شناسی شناختی از مکاتب نوین زبان‌شناسی و مؤثرترین پدیده برای گردآوری ابزارهای متفاوت به منظور تحلیل متون می‌باشد. تحلیل کاربردهای استعاره در زبان‌های مختلف یکی از زیر شاخه‌های این رشته

---

\* استادیار گروه زبان‌های خارجی دانشگاه ایلام و نویسنده مسئول

\*\* کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی

است. در گذشته‌های دور استعاره تنها به عنوان وسیله‌ای برای بیان مفاهیم شاعرانه مورد تأکید بوده است. ارسطو نخستین کسی است که رابطه‌ی استعاره با زبان و دلایل به کارگیری آن را مطالعه کرده است. وی در کتب "فن شعر"<sup>۱</sup> و "فن بلاغت"<sup>۲</sup> استعاره را نوعی استفاده‌ی ضمنی از کلمات می‌داند. ارسطو معتقد است کاربرد استعاره در زبان محاوره‌ای ضروری نیست و تنها از دیدگاه زیبایی شناختی مورد توجه است.

به اعتقاد شمس‌یا (۱۳۸۱) استعاره در باب مصدر استفعال و به معنای عاریه خواستن یک واژه به جای واژه‌ی دیگر است. همایی (۱۳۷۷) در کتاب بلاغت و صناعات ادبی می‌نویسد "استعاره عبارت است از آن که یکی از دو طرف تشبیه را ذکر و طرف دیگر مورد نظر گوینده باشد". به باور تجلیل (۱۳۷۶) "استعاره تشبیهی است که یکی از دو سوی آن ذکر نشود؛ به عبارت دیگر، استفاده‌ی واژه‌ای در معنای مجازی آن به واسطه‌ی همانندی و پیوند مشابهتی که با معنای حقیقی دارد". شفیعی کدکنی (۱۳۷۵) با اشاره به تعریف ارسطو از استعاره و به نقل از البیان و التبیین جاحظ "استعاره را نامیدن چیزی به جای چیز دیگر" دانسته است. از دیدگاه کزازی (۱۳۶۸) استعاره یکی از ترفندهای شاعران است که سخنور می‌کوشد با استفاده از آن سخن خود را در ذهن شنونده جای دهد.

از طرفی، زبان‌شناسی شناختی<sup>۳</sup> یکی از گرایش‌های جدید زبان‌شناسی است که در دهه‌ی ۱۹۷۰ به اوج خود رسید و امروزه یکی از حوزه‌های برجسته‌ی پژوهشی محسوب می‌شود. سه زبان‌شناس برجسته به نام‌های لیکاف با کتاب‌های "استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم" زنان، آتش و چیزهای خطرناک؛ "لئو تالمی با کتاب "به سوی معنا شناسی شناختی" و دیوید لانگاکر با کتاب "مبانی دستور شناختی" را می‌توان بنیانگذاران این گرایش جدید به حساب آورد. در این کتاب‌ها برای اولین بار مباحث زبان‌شناسانه به گونه‌ای فیلسوفانه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. جانسون و لیکاف (۱۹۸۰) در تعریفی متفاوت استعاره را "درک و تجربه‌ی چیزی بر اساس چیزی دیگر" دانسته‌اند. آنها بر این باورند که استعاره تنها منحصر به زبان نیست، بلکه مسأله‌ای مفهومی است که جایگاه آن ذهن بشر است، نه زبان او. طبق نظریه‌ی لیکاف (۱۹۸۰) استعاره‌ها تنها مختص زبان ادبی نیستند، بلکه در زبان عامیانه حضوری پررنگ و همه جانبه دارند. لیکاف (۱۹۹۴) بر این باور است که استعاره‌ها در سطح مفاهیم زبانی نمود می‌یابند تا الفاظ. در دهه‌ی ۱۳۸۰ رویکردی نو به استعاره شکل گرفت که مهم‌ترین آن نقد دیدگاه سنتی استعاره بود. در حقیقت، دانشمندان برجسته‌ی دهه‌ی هشتاد زبان‌شناسی شناختی، هر گونه تمایزی را بین زبان حقیقی و زبان مجازی

1. Poetics
2. Rhetoric
3. Cognitive linguistics

مردود می‌دانستند و مدعی بودند بسیاری از مفاهیم که عامه‌ی مردم در زبان روزمره استفاده می‌کنند، استعاری است. چند سال بعد، لیکاف و تالمی در کتاب "فراسوی عقل خونسرد" (۱۹۸۹) نظریه‌های خود را در باب استعاره بسط دادند و با بررسی نمونه‌هایی از گفتارهای روزمره، شواهدی ارائه دادند که بر اساس آن‌ها بسیاری از مفاهیم مانند مرگ و زندگی تنها به گونه‌ای استعاری قابل درک است. برای مثال: استعاره "زندگی سفر است" در زبان عامیانه به وفور استفاده می‌شود. به عبارتی، استفاده از این استعاره‌ها قراردادی است. ضرب المثل‌های زیر مصادیق روشن این نکته است:

هر گردی گردو نیست؛

در روی یک پاشنه نمی‌چرخد؛

سنگ بزرگ علامت نزدن است؛

کوه به کوه نمی‌رسد؛ ولی آدم به آدم می‌رسد.

استفاده از این گونه ضرب المثل‌ها برای کاربران معمول زبان فارسی امری عادی است. در حقیقت، هیچ‌کدام از جمله‌های فوق را نمی‌توان مصداق معنای لفظی به حساب آورد، بلکه ورای مفاهیم لفظی تمام این ضرب المثل‌ها، چیزی تحت عنوان "استعاره‌ی مفهومی" نهفته است. نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی را جورج لیکاف در کتاب معروف خود برای اولین "استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم" مطرح کرد که یکی از تئوری‌های برجسته‌ی زبان‌شناسی شناختی است. با کمی دقت در مفاهیم جمله‌های فوق می‌توان به روشنی دریافت که هر کدام از آن‌ها نمایانگر صفات یا مفاهیم خاصی است. در جمله‌های فوق به ترتیب به مفاهیم قضاوت نکردن، امیدواری، ادعای بزرگ و توخالی داشتن و بدی نکردن به دیگران تأکید شده است.

یکی از حوزه‌های قابل توجه برای محققان در زمینه‌ی زبان‌شناسی شناختی، تحلیل و بررسی استعاره‌های مفهومی رنگ است؛ زیرا زندگی سرشار از رنگ و جلوه‌های آن می‌باشد. رنگ در تمام ابعاد زندگی بشر جاری، و مفهوم آن به گستردگی مفهوم زندگی است. نقش رنگ آن‌قدر در تار و پود زندگی بشر در هم تنیده است که هرگز واژه‌ی آن برای ما ناشناخته و غریب نیست. استفاده‌های استعاری از رنگ‌ها تأثیر چشمگیری در بیان مفاهیم به زبان‌های مختلف دارد.

**پیشینه‌ی تحقیق**

- علی اکبری و خسرویان (۲۰۱۲) استعاره‌های مفهومی رنگ را در زبان فارسی بررسی کرده‌اند. در این پژوهش که به عنوان الگو برای مطالعه‌ی حاضر انتخاب شده است، مشخص شده که رنگ‌های فارسی به صورت چند معنایی استفاده می‌شوند. علاوه بر آن، میزان استفاده‌ی رنگ‌ها در یک زبان ثابت نیست، بلکه برخی رنگ‌ها در زبان‌ها کاربرد بیشتری دارند.

- اسلامی راسخ و غافل (۲۰۱۲) در تحقیقی به مقایسه‌ی رنگ‌ها در زبان فارسی و انگلیسی پرداخته‌اند. در آن پژوهش مشخص شده که استعاره‌های بدن، حیوانات و موجودات زنده "مفهومی" هستند. بر اساس این مطالعه رنگ‌ها در زبان‌های فارسی و انگلیسی برای هر سه مورد اعم از بدن، حیوان و موجودات غیرزنده می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. برای مثال: چرا رنگت زرد شد؟ در این جا منظور از "رنگ زرد" حالت چهره است. ضرب‌المثل‌های زیر از مصادیق استعاره‌های مفهومی هستند:

پایان شب سیه سفید است؛

مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد؛

رنگ و رویت زرد شده است؛

دیگ به دیگ می‌گوید روت سیاه؛

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در جمله‌های بالا استعاره‌های رنگ برای مشخص کردن بهتر مفاهیم مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این جمله‌ها از هر رنگ برای مفهومی خاص استفاده شده است. برای مثال: مفاهیم مورد نظر به ترتیب عبارتند از: امید، ترس، بیماری و طعنه.

- برلین و کی (۱۹۹۶) معتقدند که واژه‌های مربوط به رنگ نقش عمده‌ای در استعاره‌های مفهومی تمام زبان‌های دنیا ایفا می‌کنند. به باور فیلیپ (۲۰۰۵) مفاهیم رنگ‌ها در زبان‌های متفاوت فرق می‌کند. وی معتقد است که رنگ‌ها نقش بسزایی در برقراری ارتباط بین افراد دارند. نه تنها رنگ‌ها نمادی برای خودشان هستند، بلکه هر کدام از آن‌ها در بردارنده‌ی مفهومی خاص هستند. بنابراین، رنگ‌ها در همه‌ی زبان‌ها نقش بسزایی در انتقال مفاهیم دارند و زبان کردی ایلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

- لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) بر این باورند که تفاوت‌های فرهنگی منجر به تفاوت‌های زبانی در استفاده از استعاره‌های مفهومی می‌شود. برای مثال: در ادبیات انگلستان از "خوک" به مثابه‌ی نماد معصومیت استفاده می‌شود؛ در حالی که همین حیوان در ادبیات فارسی به عنوان نماد پلیدی به کار می‌رود. تا کنون تحقیقات

بسیار گسترده‌ای درباره‌ی استعاره‌های مفهومی رنگ در زبان‌های مختلف از جمله زبان فارسی انجام گرفته است. بنابراین، به علت کمبود پروژه‌های تحقیقاتی درباره‌ی استعاره‌های مفهومی رنگ در زبان کردی ایلامی، تحقیق پیش رو استعاره‌های مفهومی رنگ را در زبان کردی ایلامی مورد بررسی قرار می‌دهد.

## سؤالات تحقیق

هدف این تحقیق پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. آیا استعاره‌های مفهومی رنگ در زبان کردی ایلامی به صورت چند معنایی مورد استفاده قرار می‌گیرند؟

۲. آیا رنگ‌های مختلف در استعاره‌های مفهومی کردی ایلامی به طور یکسان استفاده شده‌اند؟

## روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی است، تعداد ۱۵ نفر از افراد به صورت تصادفی انتخاب شدند و در تحقیق مورد نظر مشارکت نمودند. شرکت کنندگان ۹ زن و ۶ مرد بودند. بیشتر آنان بی‌سواد، و بیش از ۴۵ سال سن داشتند.

**ابزار تحقیق:** محققان داده‌های این مطالعه را از طریق مشاهده و مصاحبه گردآوری نمودند و از روش

توصیفی برای تحلیل داده‌ها استفاده کردند.

**فرایند تحقیق:** در این تحقیق تعداد ۳۲ استعاره‌ی مفهومی رنگ متداول در زبان کردی ایلامی مورد بررسی قرار گرفت، از هشت نفر مصاحبه به عمل آمد. در این مصاحبه از آنان خواسته شد استعاره‌های مفهومی رنگ را ذکر کنند. پنج نفر از آنان معتقد بودند استفاده‌ی آن‌ها از استعاره‌ها ناآگاهانه بوده و قادر به بیان استعاره‌ها به صورت آگاهانه نبودند. بنابراین، محققان هفت نفر از افراد را به مدت سه هفته به گونه‌ای که متوجه نشوند، مورد مشاهده قرار دادند. گردآوری داده‌ها از این طریق بسار مؤثرتر از روش پیشین بود.

**نتایج تحقیق:** نتایج داده‌های تحقیق به شرح زیر است:

در پاسخ به سؤال اول که آیا استعاره‌های کردی ایلامی از خاستگاه‌های چند معنایی استفاده می‌شوند یا خیر؟ جواب سؤال مثبت است؛ به این معنا که در استعاره‌های کردی ایلامی می‌توان برخی رنگ‌ها را برای

مفاهیم مثبت و منفی به کار برد. البته، در استعاره‌های کردی ایلامی برخی رنگ‌ها تنها به مفهوم مثبت یا منفی مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. با نگاهی به جدول زیر به راحتی می‌توان دریافت که بیشتر رنگ‌ها در زبان کردی ایلامی مفهوم مثبت و منفی دارند. برای مثال: "رنگ سیاه" در زبان کردی در برخی موارد برای مفاهیم منفی مانند "آرو سیه، پاچگ سیه، سیه بخت، سیه دس" استفاده می‌شود؛ در حالی که در برخی موارد مفهومی مثبت را القاء می‌کند؛ مانند "چاو سیه و سیا خال". بر اساس نتایج این تحقیق، "رنگ زرد" به صورت چند معنایی استفاده می‌شود. برای مثال: در برخی موارد برای مفاهیم مثبت مانند "پاچله زرین"، برای مفهومی منفی مانند "رنگ زرد" استفاده می‌شود. همین روند برای سایر رنگ‌ها نیز صدق می‌کند.

به منظور پاسخ به سؤال دوم تحقیق که آیا رنگ‌ها در استعاره‌های کردی ایلامی به طور یکسان استفاده می‌شوند یا خیر؟ می‌توان پاسخ داد که رنگ‌ها در زبان کردی ایلامی به طور یکسان استفاده نشده‌اند. نتایج نشان می‌دهند برخی رنگ‌ها مانند رنگ سیاه نسبت به بقیه‌ی رنگ‌ها از فراوانی بیشتری برخوردار هستند. در مورد دلیل استفاده‌ی گویشوران زبان کردی از برخی رنگ‌ها، شاید بتوان دلایل زیر را متصور شد:

در میان استعاره‌های مفهومی رنگ، "رنگ سیاه" بیشترین فراوانی را داشت که در بیشتر موارد بیانگر مفاهیم منفی است. سیاهی نشانه‌ی فقدان نور است و همین امر ناخودآگاه نشانه‌ی عزا و ظلمات است و ناامیدی، نابودی و فلاکت را القاء می‌کند.

استعاره‌ها	مفاهیم	فراوانی	
ناروسیه، پاچگ سیه، قلا سیه، تیول سیه	بدیمنی	۴	رنگ سیاه
همناس سیه، زمین سیه	ناامیدی	۲	
دس سیه	نابودی	۱	
سیا بهرگ	عزا	۱	
سیا بهخت	بیچارگی	۱	
رقت سیه	شرمندگی	۱	
قلا و قلا توشنی رقت سیه	طعنه	۱	
چاو سیه، سیا خال، سیا بهرگ	زیبایی	۳	
سهگ زهره، رنگ زهره، زه رنگ	توهین	۲	
زهردی، رنگ زهره	بیماری	۲	
کشگ زهره	نیرنگ	۱	
زمین زهره	پاییز	۱	
چم زهره	پلیدی	۱	
پاچله زهرین	خوش یمنی	۱	
گیس چهرمگ، ریش چهرمگ	تجربه	۲	رنگ سفید
رقت سپی، سفید بخت	دعا	۲	
که و سووار	تقدس	۱	رنگ آبی
سوزه	ظاهر	۱	رنگ سبز
ناو نیشانه سوزیه	طبیعت	۱	
قز سور	بد جنسی	۱	رنگ قرمز

همان‌گونه که جدول بالا نشان می‌دهد، از تعداد ۳۲ استعاره متشکل از رنگ‌های مختلف، ۱۴ استعاره رنگ سیاه را پوشش داده‌اند؛ و معلوم می‌شود رنگ سیاه بالاترین تعداد را به خود اختصاص داده است. رنگ‌های زرد با هشت استعاره، سفید با چهار استعاره، آبی با سه استعاره، سبز با دو استعاره و قرمز با یک استعاره در جایگاه‌های بعدی قرار گرفتند.

## نتیجه‌گیری

کاربران زبان کردی ایلامی برای بیان مفاهیم ذهن خود به گونه‌ای استعاره‌ای از رنگ‌ها استفاده می‌کنند. کاملاً واضح و مبرهن است که استفاده از استعاره‌ها تصادفی نیست. علاوه بر آن، این نوع استفاده از زبان نه تنها نظام‌مند است، بلکه با مفاهیم ذهن سخنوران پیوندی ناگسستنی دارد. بنابراین، استفاده از استعاره‌های مفهومی رنگ در زبان کردی ایلامی امری کاملاً عادی و در عین حال، کاری کاملاً هدفمند می‌باشد.

از جمله در برخی موارد از رنگ سیاه برای بیان زیبایی اشاره شده است. از آن‌جا که مردم ایلام مسلمان هستند، شاید بتوان تصور کرد که اشاره به حوریان بهشتی با چشمان سیاه در قرآن کریم دلیلی راسخ برای استفاده‌ی آنها از رنگ سیاه با مفهوم زیبایی باشد. اگرچه همین دلیل را برای استفاده از برخی دیگر از رنگ‌ها نمی‌توان نادیده گرفت. برای مثال: ید بیضای حضرت موسی (ع) در قرآن کریم می‌تواند دلیلی آگاهانه برای استفاده از رنگ سفید با مفهوم مثبت باشد. هم‌چنین، در نهج البلاغه، اثر ماندگار امام علی (ع) از رنگ‌ها برای تأثیر بیشتر کلام خویش استفاده فرموده‌اند که از میان آنها رنگ سیاه برای بیان مفاهیم نامطلوب؛ رنگ زرد برای نشان دادن ضعف، زوال و افسردگی؛ رنگ سبز برای خرمی و شادابی و رنگ قرمز هم برای بیان مفاهیم ناگوار استفاده شده است. بنابراین، شاید بتوان ریشه‌ی استفاده از برخی مفاهیم استعاری را در مذهب و عقاید پیشینیان جستجو کرد.



## منابع و مأخذ

### الف) منابع فارسی

- تجلیل، جلیل، (۱۳۷۶)، معانی و بیان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۷۵)، صور خیال در شعر فارسی، موسسه انتشارات آگاه، تهران.
- شمسیا، سیروس، (۱۳۸۱)، بیان و معانی، انتشارات فردوس، تهران.
- علوی مقدم، محمد و رضا اشراف زاده، (۱۳۷۶)، معانی و بیان، انتشارات سمت، تهران.
- کزازی، جلال‌الدین، (۱۳۸۶)، بیان، زیبایی شناسی سخن پارسی، کتاب ماد (وابسته به نشر مرکز)، تهران
- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۷)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، موسسه نشر هما، تهران.

### ب) منابع انگلیسی

- Aliakbari Mohammad & Fereshteh Khosravian, (2012), " a corpus analysis of color-term conceptual metaphor in Persian proverbs, Social and Behavioral Sciences, 70, 11-7
- Amouzadeh Mohammad, Manouchehr Tavangar, and Mohammad A. Sorahi, (2012), "a cognitive study of color terms in English and Persian", Social and Behavioral Sciences, 32, 238-245
- Abbas Eslami Rasekh & Banafsheh Ghafel, (2011), "basic colors and their metaphorical expressions in English and Persian", 1st International Conference on Foreign Language Teaching and Applied Linguistics: Burch University.
- Aristotle. "Rhetoric and Poetics". Translated by M.C. Butcher, in Nahm Ed.1950
- Berlin, B. Kay, P (1969). "Basic Color Terms": Their University and Evolution. Berkeley: University of California Press.
- Givón, Talmy (1973) "The Time-Axis Phenomenon", Language, 49, pp. 890-925

- Lakoff, George (1987) "Women, Fire and Dangerous Things": What Categories Reveal about the mind, Chicago, Chicago University Press.
- Lakoff, George and Johnson, Mark (1980) "Metaphors We Live By", Chicago , Chicago University Press
- Lakoff, George (1994) "What is a Conceptual System"? "In Overton and Palermo (eds.), The Nature and Ontogenesis of Meaning, New Jersey , Lawrence Erlbaum Associates Publishers
- Lakoff, George and Johnson, Mark (1999) "Philosophy in the Flesh": The Embodied Mind and its Challenge to Western Thought, New York , Basic Books
- Phillip, G. (2006). "Connotative meaning in English and Italian color-word metaphor". [Online] Available: <http://metaphoric.de/10/Philip.pdf> (accessed 28.06.2008)

## **Abstract**

### **Analysis of Ilami Kurdish Color-terms conceptual Metaphors**

**Maryam Tafaraji Yeganeh \***

**Kolsum Garavand \*\***

Before the emergence of Cognitive Linguistics (CL), metaphor was known as a term limited to literature. Thus, it was supposed it is only used in literary works; whereas, the manifestation of CL shows the fact that the appliance of metaphor ordinary language is remarkable. One of the wonderful branches of CL is Color Conceptual metaphor Theory. According to this theory, colors carry the language users' concepts interestingly. Thus, the present study, is going to answer the following question: first, Are color terms used for carrying multiple meaning in Ilami Kurdish language? And the second one, Are the color terms distributed equally in Ilami Kurdish Language? The results of analyzed data showed that most of the color conceptual metaphors are used for both positive and negative connotations and also the color terms are not used equally by Ilami Kurdish language users. It is worthwhile explaining that the appliance of color conceptual metaphors can be rooted in religious believes.

**Key words: color term, conceptual metaphor, Ilami Kurdish**

**1. Assistant Professor of Ilam University**

**2. M.A of Teaching English**

استعاره‌ها
آروسیه /âru siya / ، پاچگ سیه /pâchəg siya / قلا سیه /qəɫâ siyâ / ، تول سیه /têwəl siyâ /
هناس سیه /henâs siyâ / زمین سیه /zamîn siyâ /
دس سیه /das siyâ /
سیا برگ /siyâ barg/
سیا بخت /siyâ baxt/
رۆت سیه /rût siyâ /
قلا و قلا توشی رۆت سیه / qəɫâ wa qəɫâ üŒê rût siyâ /
چاو سیه /châw si/ ، سیا خال /si/ ، سیا برگ /siyâ barg/
سهگ زرد /sag zard/ ، رهنگ زرد /rang zard/ ، زمردگ /zardeg/
زمردی /zardî/ ، رهنگ زمرد /rang zard/
کشگ زرد /keŒəg zard/
زهمین زمرد /zamîn zard/
چم زرد /cham zard/
پاچله زرین /pachəla zarîn/
گیس ئسپی /gis əspê/ ، ریش ئسپی /rîsh əspê/
رۆ ئسپی /rû əspê/ ، سفید بخت /sefêd baxt/
که و سووار /kaw səwâr/
سوزه /sawza/
آو نیشانه سوزیه /âw nîshane sawîza/